

تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند با رویکرد آینده‌پژوهی

حسام‌الدین حجت زاده (دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

hhz1357@gmail.com

محمد باغستانی کوزه گر (استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ایران، نویسنده مسئول)

m.baghestani@isca.ac.ir

شهربانو دلبری (استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران)

tarikh_2003@yahoo.com

چکیده

در هزاره نونین، بازگشت به سیاست‌گرایی کلاسیک و وجود احزاب سیاسی - مذهبی کارآمد، یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه اجتماعی در مقیاس ملی و عاملی اثرگذار در ثبات و شکوفایی ملت‌های مختلف در عرصه سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی به شمار می‌آید. از این رو، هدف پژوهش حاضر تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند با رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشد. روش تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایش‌های میدانی و نرم‌افزاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت از مجموعه افراد و متخصصانی که پیرامون شکل‌گیری جریان‌های سیاسی - مذهبی در حوزه جنوب شرق آسیا و شبه قاره هند می‌باشد که از دانش و تجربه کافی برخوردار بوده و به دلیل عدم امکان دسترسی به همگان، با استفاده از روش گلوله برفی، تعداد ۴۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری، جهت ادامه مطالعات، انتخاب شدند. نتایج نشان داد که میزان صحت و اعتبار داده‌های پژوهش در قالب شاخص پُرشدگی با ضریبی نزدیک به (۰/۹۸) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، توزیع متغیرهای پژوهش، نشان از سهم قابل توجه و کلیدی عناصری با اثرگذاری متوسط (۲۸۲) در حالت مستقیم و ۴۶۵۰ در وضعیت غیرمستقیم است. متناسب با آن، الگوهای آتی قابل تحقق در سه گروه سناریوهایی با مطلوبیت بالا (وضعیت سبز)، قابل قبول (وضعیت زرد) و بحران (وضعیت قرمز)، ارائه شدند.

واژه‌گان کلیدی: پیشران کلیدی، نظام سیاسی، آینده‌پژوهی، توسعه سیاسی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

پیوند مذهب و سیاست، رهاورد سیاست‌گذاری‌های کلاسیک در حوزه مدیریت فضا و حکمرانی بر مردمان محلی بود که گاه به واسطه قدرت قابل توجه آن، مرزهای قدرت سیاسی حاکمان را بیش‌ازپیش توسعه می‌داد و گاه قدرت ناشی از مذهب، زمینه را برای بروز نظام‌های مردم‌سالارانه و یا دیکتاتورهای مذهبی در جهان فراهم نموده است (Lee & et al, 2018). در این میان، پیوند حاکمیت سیاسی و جنبش‌های روشنگرانه اعم از تضاد، تقابل و یا رویکردهای اصلاحی ناشی از آن، از جمله مواردی بود که در سال‌های استبداد سیاه در آسیای شرقی، هندوستان و جنوب شرقی آسیا، نظام‌های خودکامه را تا حدی قابل توجه، تعدیل نموده و زمینه را برای ظهور اولین نظام‌های روشنگرانه و مردم‌سالارانه فراهم می‌نمود (Raggers, 2017; Alavi, 2017; Kameran & et al, 2011). این امر در کشورهایی همچون ایران و عراق که در اعصار گذشته استبدادهای پادشاهی و سیاست‌های استعماری، اساس سیاست‌گذاری‌های عمومی آن‌ها را شکل می‌داده است، رنگ و بوی متفاوتی داشته و با وجود مصلحانی همچون امام خمینی (ره) که دین و سیاست را احیاگر نظام‌های سیاسی مدرن می‌دانستند (Saedinejad, 2018: 36; Imam Khomeini Research Portal, 2020: 62)، چارچوبی متفاوت به خود گرفت و روشنگری سیاسی در پرتوی آموزه‌های مذهبی، شکل نوینی از نظام سیاسی را به وجود آورد که ضمن برخورداری از جامعیت و جاودانگی در اثرگذاری، سیستم‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فضایی را نیز در مقیاس قابل توجه، دگرگون نمود (Faraji & et al, 2015; Edward & et al, 2017; Turner, 2018).

رشد سیاست و نظریه‌های مرتبط با آن در طول تاریخ هموار در بستر پارادایم‌هایی که فراتر از خود سیاست بوده است، شکل گرفته است. این پارادایم‌ها، گاه صرفاً منجر به شکل‌گیری مفاهیم و نظریات جدیدی در کنار سایر نظریه‌های مطرح در حوزه علوم سیاسی می‌شود و گاه، پا را فراتر نهاده و ماهیت نظام‌های سیاسی و حاکمیت فضایی ناشی از آن را دچار تغییر اساسی می‌نماید (Parizei & Kazemini, 2015; Heli & et al, 2017). بر این اساس، می‌توان اشاره نمود که سیاست در یونان باستان در بستر فلسفه مدرسی و در عصر روشنگری و بعد از رنسانس نیز در بستر اومانیسم رشد و هویت یافته است. به نظر می‌رسد ماهیتی که سیاست در عصر مدرن دارا می‌باشد، همان حقیقت نهایی سیاست بوده و دیگر نظام‌های حکمرانی سیاسی نمی‌توانند در ماهیتی غیر از آن مطرح شده و هویت یابند (Dolat Abadi & Sange, 2010). با گذر از اندیشه‌های سیاسی غربی و یونانی، اندیشه سیاسی اسلامی در قالب شکل نوینی

از دانش‌شناسی حکمرانی و با گذر از الگوهای تک بُعدی مذهب - حاکمیت و مذهب - استبداد، الگوهای همچون مذهب - سیاست - حکمروایی، مذهب - مشارکت - مردم‌سالاری و مذهب - روشنگری - حکمروایی را اساس کار قرار داده است، به نحوی که در درون آن، رویکردهای متفاوت سیاسی - روشنگری، مجال ظهور و فعالیت پیدا نمودند (Zhou, 2011; Kazemi, 2015 & Quarol, 2018). چنین تفاوتی را در معنا و مفهوم واژه حکمرانی که میل استبدادی حاکمیت سیاسی را در برمی‌گیرد و با اصطلاح حکمروایی که مفهومی غیراستبدادی را نشان می‌دهد، می‌توان جستجو نمود. در حقیقت حکمروایی در چارچوب آموزه‌های روشنگرانه چه در دوران گذشته و چه در جنبش‌های سیاسی معاصر، شکلی مردمی‌تری از نظام‌های سیاسی را ارائه می‌داد که در آن بر خواست شهروندان و مطلوبیت در عرصه سلطه‌گری نظام‌های سیاسی، بیش از پیش توجه می‌گردید (Heydari & et al, 2019; Khalili & et al, 2020). چنین تأملی از نظام سیاسی در شبه‌قاره هند در دوران تاریخی گذشته، مورد توجه حکومت‌هایی همچون گورکانیان قرار گرفته بود و پیوند مذهب و سیاست در چارچوب آموزه‌های اسلامی، بنای خاصی از حاکمیت سیاسی را به وجود آورده بود که چندین قرن دوام آورد و توانست اولین حاکمیت‌های سیاسی مبتنی بر مذهب را در شبه‌قاره هند به وجود آورد (Raggers, 2017; Alavi, 2017; Kameran & et al, 2011). در واقع، حاکمیت مبتنی بر نظام‌های مذهبی - سیاسی همچون اسلام، اعتقاد جدایی دین و سیاست را رد کرده که در نتیجه آن نظام سیاسی و حاکم اسلامی با مشروعیت‌بخشی از سوی خدا، برای خود اختیارات قابل توجهی متصور شده است. این امر در شبه‌قاره هند به واسطه تعارض موجود میان ادیان مطرح در تصاحب حاکمیت سیاسی، جایگاهی ویژه داشت و روشنی نیز به‌عنوان نماد چنین تفکر اسلامی سعی در توسعه چنین دیدگاهی در مقابل نظریه‌هایی همچون "اسلام غیرسیاسی" و "سیاست منهای اسلام" داشته است (Rajabi, 2003). لذا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردهای آینده‌پژوهی همچون زمینه‌یابی^۱ و نشانه‌شناسی^۲ سعی در شناسایی پیشران‌های اصلی اثرگذار بر شکل‌گیری و فعالیت جریان سیاسی - مذهبی روشنی در هندوستان و جایگاه آن در حاکمیت جریان‌های سیاسی اسلامی در آن محدوده جغرافیایی پرداخته است، امری که تبیین آن می‌تواند جایگاه حکمروایی خوب را در نظام‌های سیاسی اسلامی روشن و پیشنهاد‌های مناسبی را در این زمینه ارائه دهد. از این‌رو، سوال اصلی پژوهش این است

1. Back casting.

2. Foresight.

که مهمترین پیشران‌های اثرگذار بر تکوین و تداوم جریان سیاسی - اسلامی روشنی در شبه قاره هند کدام است و چه سناریوهای برای آن قابل ارائه می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در حوزه تحلیل پیشران‌های اثرگذار بر جریان‌های سیاسی - مذهبی و جایگاه آن‌ها در حاکمیت سیاسی در آسیا به‌طور کلی و هندوستان به‌صورت خاص، پژوهشی‌های چندان کاربردی و علمی انجام شده و محدود پژوهشی‌های انجام شده نیز فاقد رویکرد استراتژیک، آینده‌پژوهی و راهبردی بوده‌اند. در این بین، فقدان و ابهام در مبانی و مفاهیم مرتبط با موضوع نیز بخشی دیگر از این کمبودهاست که پژوهشی‌های قبلی نتوانسته‌اند به درستی آن را بیان و مورد بررسی قرار دهند. لذا در ادامه در چارچوب جدول (۱)، به بیان مهمترین تعاریف و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱. مهمترین تعاریف و مفهوم مرتبط با پژوهش

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
تحلیل فضایی	در یک مفهوم کلی آن را درک یکپارچه محیط و پایش مستمر تغییرات فضایی به منظور سنجش همگونی یا ناهمگونی در استقرار زیرساخت‌ها و پدیده‌های مرتبط با فضا به منظور سنجش میزان استاندارد یا غیراستاندارد بودن توزیع زیرساخت‌ها می‌دانند. «تحلیل فضایی» نوعی تحلیل جغرافیایی است که به دنبال توضیح الگوهای رفتار انسانی و بیان فضایی آن با توجه به اصول هندسی فضا و تحلیل‌های مکانی مربوط به آن است.	ورث ^۱ (۱۹۷۹)؛ حیدری (۲۰۱۶)؛ کلن ^۲ (۱۳۷۷)
توسعه پایدار سیاسی	توسعه پایدار سیاسی شامل تنظیم روابط و کنش‌های متقابل بین عوامل انسانی، اقتصادی و عوامل محیطی و سیاسی به منظور ایجاد سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه و پایدار از استعدادهای سیاسی، انسانی و محیطی می‌باشد که در آن ظرفیت‌ها و چالش‌ها توسعه فضا و حاکمیت ناشی از آن در نظر گرفته شده و متناسب با آن برنامه‌های اقداماتی تلویحی می‌یابد.	حیدری و همکاران (۲۰۱۹)
پیشران	مجموعه عوامل کلیدی اثرگذاری بر حوزه‌های هدف برنامه‌ریزی را پیشران می‌گویند. این عوامل ضمن برخورداری از بالاترین اثرگذاری، بیشترین ثبات و پایداری را در سیستم فضایی به وجود می‌آورند.	کورساوا و کونیتز ^۳ (۲۰۰۱)، حیدری و باختر (۲۰۱۸)
آینده‌پژوهی	آینده‌پژوهی را دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌های آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه	حیدری و همکاران،

1. Werth.

2. Callen.

3. Koresawa & Konvitz.

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
	دانسته‌اند به نحوی که انجام آن، انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تحولات محافظت می‌کند و کوششی نظام برای همه حوزه‌ها؛ به نحوی که از دل تغییر کردن یا نکردن امروز، واقعیت‌های فردا را به وجود می‌آورد. سه رویکرد اصلی مطرح در حوزه آینده‌پژوهی الگوهای پس‌نگری، پیش‌بینی و نشانه‌شناسی است. که در این پژوهش از رویکردهای پس‌نگر و نشانه‌شناسی استفاده شده است.	(۱۳۹۹)، رهنما و معروفی، (۲۰۱۵)؛ هان ^۱ (۲۰۰۸)
برنامه‌ریز سناریو	سناریو را روشی منظم جهت به تصویر کشیدن آینده‌های ممکن در تصمیمات سازمانی تعریف می‌کند که ممکن است در آینده نقش داشته باشند.	چرماک و همکاران ^۲ (۲۰۰۱)، حیدری و همکاران (۱۳۹۸)
روشنیه	جریانی سیاسی-مذهبی در شبه قاره هند می‌باشد که برای اولین بار ایدئولوژی اسلامی-سیاسی را اساس حکومت‌داری در شبه قاره هند قرار داد و در تقابل با جریان‌های رایج توانست نوعی خاص از حکمروایی سیاسی را بر مبنای آموزه‌های مذهبی ایجاد کند.	ژانگ ^۳ (۱۹۷۹)

مأخذ: Research Findings, 2020

نکته قابل توجه، تفاوت پژوهش حاضر با سایر موضوعات انجام‌شده به لحاظ رویکرد و روش به‌کاررفته و ترکیب آن با سایر الگوهای مطالعاتی است. به‌نحوی که استفاده از رویکردهایی همچون پیشران‌گرایی و ادغام آن با مطالعات جغرافیای سیاسی، می‌تواند نقطه عطفی در پژوهشی‌های آتی در حوزه تبیین جایگاه نظام‌های مذهبی در حاکمیت سیاسی-ملی کشورها به حساب آید. این امر نیز از جمله دیگر ابعاد نوآورانه این کار تحقیقی به شمار می‌آید که چندان در سایر مطالعات انجام شده مدنظر نبوده است. به این اعتبار در قالب جدول (۲)، مروری بر مهمترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع شده است.

جدول ۲. مروری بر مهمترین پژوهش‌های انجام شده پیرامون پیشینه جریان‌های سیاسی-مذهبی

محقق	سال	محتوای پژوهش
والش ^۴	۱۸۱۹	وی در پژوهشی که اساس بسیاری از تحقیق‌های امروزی نیز به حساب می‌آید، جایگاه نظام روشنگری را در تحلیل حاکمیت سیاسی تبیین نموده و اعتقاد دارد آینده از جنبش‌هایی تشکیل خواهد شد که پایگاهی اعتقادی و سیاسی داشته و ایدئولوژیک باشند.

1. Han.
2. Chermak & et al.
3. Xang.
4. Walsh.

محقق	سال	محتوای پژوهش
راجرز ^۱	۱۹۵۰	ایدئولوژی سیاسی را عامل اساسی در تشکیل نظام‌های تمامیت خواه تلقی نموده و در این بین سعی دارد تا با جدا ساختن نقش روشنفکران و جریان‌های روشنگری، نظام‌های سیاسی-مذهبی را عامل اساسی در سعادت جامعه بشری تلقی کند.
کارمل ^۲	۱۹۹۹	در پژوهشی که در دانشگاه هاروارد انجام شده است نظام‌های روشنگری نقطه مقابل حاکمیت‌های سیاسی-مذهبی تلقی شده و سعی بر حذف جریان‌های روشنگری را اساس تحلیل چنین نظام‌های قرار داده است. در این بین گاهی بقایای نظام‌های ایدئولوژیک عاملی برای شکل‌گیری جریان‌های روشنگری به حساب می‌آیند.
ایوان و همکاران ^۳	۲۰۱۰	به تحلیل جایگاه نظام‌های سیاسی-حاکمیتی در منطقه خاورمیانه پرداخته و جریان‌های مردمی را عامل اساسی در تداوم خواست توده‌ها در توجه به شکل‌گیری نظام‌های اسلامی-سیاسی می‌داند. افول چنین نظام‌هایی را در نتیجه بی‌توجهی به ماهیت شعاری خود می‌داند.
پالمر ^۴	۲۰۱۵	جایگاه جنبش‌های روشنگرانه را با مفهوم انقلاب‌های ایدئولوژیک هم راستا ندانسته و تأکید دارد شکل‌گیری نظام-های کثرت‌گرا را عاملی برای تداوم جریان روشنگرانه می‌داند. در این تئوری، مذهب جایگاهی در شکل‌گیری نظام روشنگرانه ندارد.
فارار ^۵	۲۰۲۰	در کتاب خود تحت عنوان "جریان‌های روشنگری مذهبی و آینده حکمروایی سیاسی"، حکمروایی را خاص جوامع دارای روشنگری سیاسی می‌داند و مذهب را چندان در ارتباط با شکل‌گیری نظام‌های مردم‌سالار در نظر نگرفته است.
پژوهش‌های داخلی		
نصر	۱۳۸۸	در مقاله خود با عنوان "پارس، اسلام و روشنگری" روح ملیت‌گرایی را در ایران تابع روشنگری مذهبی دانسته و جریان‌های ملی-مذهبی را عامل اساسی در شکل‌گیری حاکمیت‌های نوین می‌داند. در میزان توفیق یا عدم توفیق چنین رویکردهایی، تجارب کشورهای اسلامی همچون ایران را مثال زده است.
رجبی	۱۳۹۲	"آشوب روشنگری" عنوان پژوهشی است که روشنگری را در جوامع در حال توسعه کانون منازعات سیاسی می‌داند و طیف‌های مذهبی و روشنگری را بر سر راه گزینه‌های متعدد حکمروایی و حاکمیت در مقابل هم قرار می‌دهد. از منظر این پژوهش، حاکمیت سیاسی مبتنی بر روشنگری مذهبی دیر یا زود، نخبگان اجتماعی و روشنفکری را با چالش جدی هویتی مواجه می‌نماید.
فلدمان	۱۳۹۵	در تئوری با عنوان "جدایی انسان توسط خدایان"، هویت مذهبی را عامل تشکیل دولت‌های تاریخی دانسته و چندان آن را عامل اثربخشی در شکل‌گیری هویت‌های نوین حاکمیتی نمی‌داند. اعتقاد بر این است مذهب فاقد حاکمیت ملی و عدم همراهی توده‌ها، الگوی خوبی برای حکمرانی نمی‌باشد.
حکمت	۱۳۹۸	جریان روشنگری در جنوب شرقی آسیا و هندوستان را بررسی نموده و مذهب مبتنی بر روشنگری را عاملی مهم

1. Ragers.
2. Carmel.
3. Evan & et al.
4. Palmer.
5. Farrar.

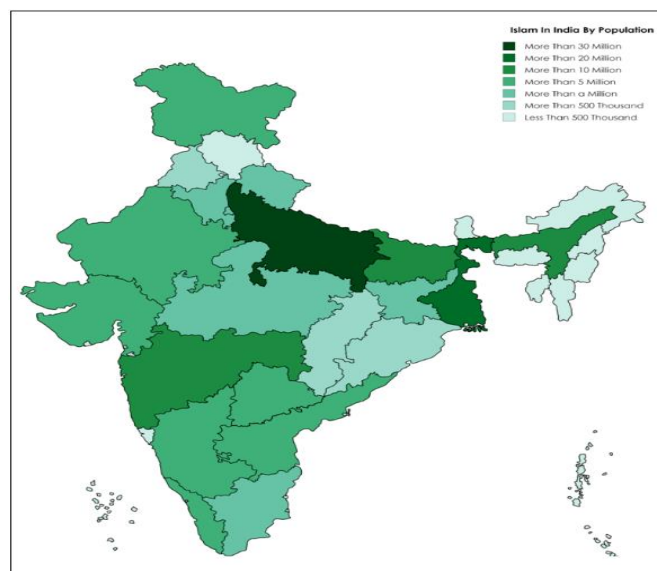
محتوی پژوهش	سال	محقق
در شکل گیری حاکمیت های آن محدوده می داند. بر اساس دیدگاه وی، هندوستان دروازه ادیان است و دادن نقش مسلط به یک دیدگاه می توان به آن هویت غالب فضایی-سیاسی، بدهد.		

مأخذ: Research Findings, 2020

۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

شبه قاره هند بخش شبه جزیره ای جنوب آسیا است. این شبه قاره در برگیرنده کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، بوتان و گاه میانمار است. از دید جغرافیایی شبه قاره ای بودن این محدوده به واسطه صفحه زمین ساختی آن می باشد که موقعیت ژئوپلیتیک خاصی را برای این محدوده به وجود آورده است (Qalibaf & et al, 2019: 67). گاهی به جای واژه شبه قاره هند از واژه جنوب آسیا استفاده می شود و منظور از این دو واژه، یک ماهیت است. هر چند اصطلاح دوم بار سیاسی دارد و شامل کشورهای ویتنام، بوتان، بنگلادش، پاکستان و افغانستان نیز می شود (Solana, 1999: 24). اسلام، دومین مذهب بزرگ در شبه قاره هند است. بر اساس آمار (سال ۲۰۱۶)، جامعه مسلمانان هندوستان با جمعیتی حدود ۱۴٫۲٪، بیش از سیصد میلیون نفر از مردم این کشور را دربرمی گیرد. این درحالی است که بعد از هندوئیسم، اسلام از سایر ادیان رایج همچون، یهودی، بودائی و غیره، پیروان بیشتر داشته و به طبع از اثرگذاری بیشتر نیز در چارچوب تعاملات سیاسی برخوردار می باشد (Indian Cenusu center, 2016: 65). بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر در ژئوپلیتیک جهانی، سیاست خارجی هند با تحول و دگرگونی بنیادی روبرو شد. این کشور از اصل عدم تعهد به سمت تعهد و همکاری با قدرت های منافع ملی بر ارزش های ایدئولوژیک در دستگاه سیاست، جهانی حرکت کرد. در نتیجه، این امر منافع ملی بر ارزش های ایدئولوژیک خارجی هند ارجحیت پیدا کرده و منافع ملی چراغ راهنمای حرکت سیاست مداران هندی شد؛ هر چند باید گفت که این امر به مفهوم رویگردانی کامل از سیاست سستی گذشته نبود و به نوعی به روز کردن راهبرد عدم تعهد در هند است، چرا که دولت هند کماکان بر مبانی این سیاست هم چون استقلال و صلح وفادار ماند (Scott, 2002: 84). لذا، دلیل انتخاب شبه قاره هند به عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر، موقعیت خاص و استراتژیک آن در کنار اهمیت خاص آن در استقرار ایدئولوژی اسلامی در تقابل با سایر ادیان در شبه قاره هند است. این تقابل در آینده به توجه به ساختار جمعیتی قابل

توجه محدوده، می‌تواند در تعیین شرایط سیاسی - استراتژیک منطقه با توجه به توسعه مذهب تشیع و وجود سابقه عقاید روشنیه مبتنی بر اسلام شیعی، موثر قرار گیرد.



شکل ۱. توزیع جمعیت مسلمانان در شبه قاره هند.

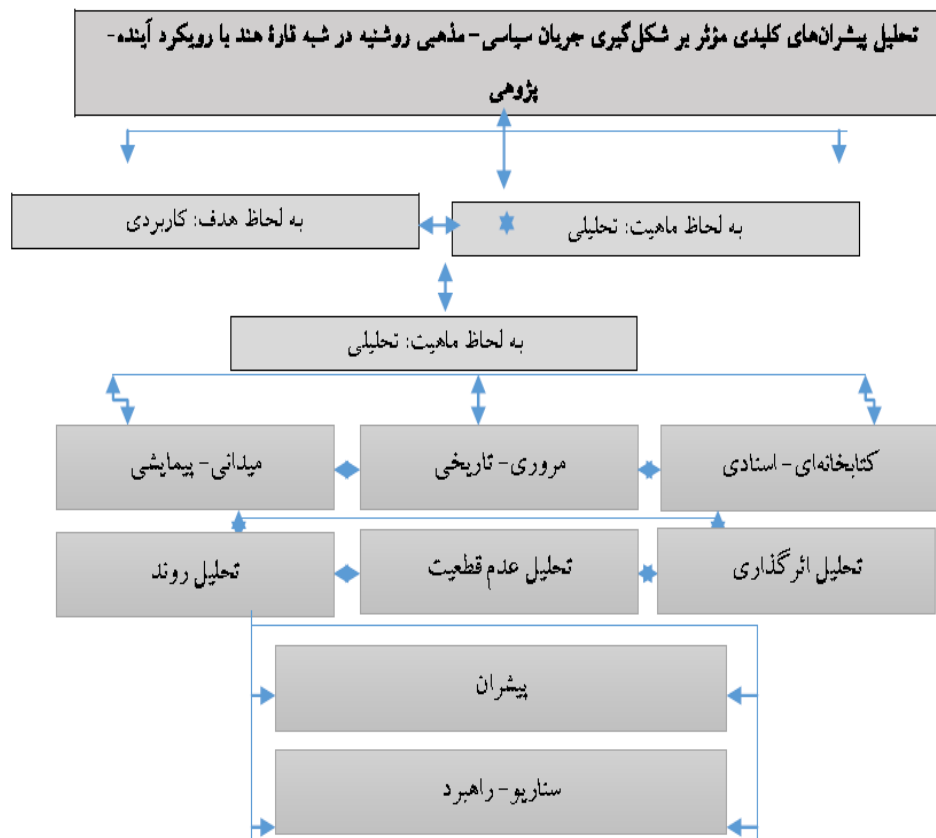
مأخذ: Research Findings, 2020

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه - اسنادی و پیمایش‌های آماری در چارچوب الگوهای نرم‌افزاری میک‌مک^۱ و سناریویوزارد^۲ می‌باشد. در ادامه در مرحله توصیفی، ضمن تبیین وضعیت کلی محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های مورد پژوهش، لیست اولیه تشکیل و در نهایت با مراجعه به نخبگان و کارشناسان، لیست اولیه تحلیل و لیست ثانویه که از قطعیت بیشتری برخوردار است، به دست آمد. در ادامه، با انتخاب جامعه آماری که عبارتست از مجموع نخبگان علمی، اجرائی و کارشناسانی که پیرامون وضعیت سیاسی - مذهبی شبه قاره هند از دانش و تجربه لازم برخوردار بودند، با استفاده از الگوی گلوله برفی تعداد ۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه، انتخاب شدند.

1. Mic Mac software.

2. Scenario Wizard Planning.



شکل ۲. نمودار فرآیندی پژوهش.

مأخذ: Research Findings, 2020

از آن‌ها خواسته شد تا بر حسب میزان اثرگذاری - عدم قطعیت متقابل شکل (۲)، از ۱ تا ۵ به ضریب اثرگذاری را جهت سنجش وضعیت پیشران انتخاب کنند که در ادامه با انتخاب بهترین وضعیت‌های احتمال رخداد، میزان پیش‌بینی‌پذیری آن نیز سنجش و داده‌ها تحلیل شد. خروجی‌های حاصل در قالب نمودار اثرسنجی - عدم قطعیت محاسبه و سپس سناریوهای مطلوب، قابل قبول و بحرانی بر مبنای آراء نخبگانی (کیفی) و کمی‌سازی آن در قالب اعتباری‌سنجی $+3$ (شدید مثبت) تا -3 (شدید منفی)، صورت گرفت و چشم‌اندازهای مرتبط با هر کدام تدوین گردید.

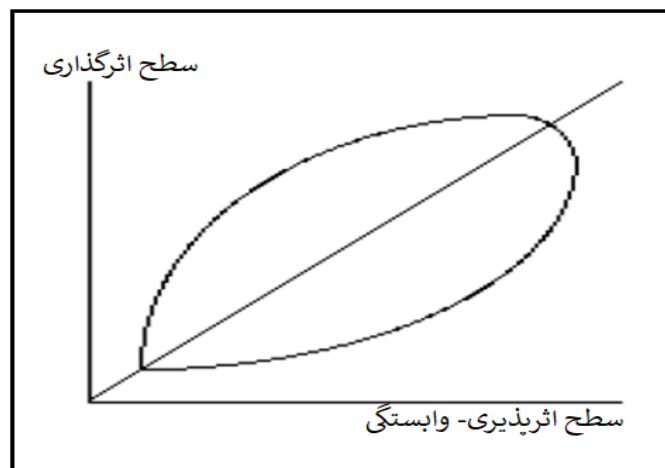
۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. وضع کلی سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

برآیند حیات سیاسی هر جامعه‌ای محصول چگونگی تعامل و تحول جریان‌های سیاسی آن (درون‌زا و برون‌زا) است. از این‌رو، فهم حیات سیاسی - مذهبی هر جامعه‌ای در گرو شناخت، درک و تحلیل جریان‌های سیاسی ناشی از الگوهای روشنگری و غیرروشنگرانه حاصل از آن است. در شرایطی که به خاطر تحولات معرفتی و تکاملی جامعه‌شناسی سیاسی نظریه‌ها و روش‌های موجود بعضاً دچار بحران و نارسایی‌هایی جهت توضیح تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع است، در شبه قاره هند به‌عنوان محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، جریان‌شناسی حاکمیت سیاسی از الگوهای خاص و منحصر به فردی تبعیت کرده می‌کند. این امر در تعاملات منطقه‌ای، تاریخی و مذهبی ریشه داشته و نشانه‌های آن را می‌توان در بحران‌های کنونی این محدوده با سایر همسایگان اسلامی خود همچون پاکستان با جمعیت اکثریت مسلمان که ادعای مالکیت بر قسمتی از هندوستان از گذشته تاکنون را داشته قابل تأمل است. لذا، در بررسی پیش‌ان‌های پیدایش و گسترش جریان متمهدیانه روشنیه در هند گورکانی تا به کنون که همچنان ادامه دارد، می‌توان به عواملی همچون تقویت روح ملی‌گرایی در مناطق مورد نزاع هند و پاکستان همچون مسئله کشمیر، روحیات جدایی طلبانه اقوام مسلمان پشتو تحت تأثیر جریان‌های روشنگرانه اسلامی، ریشه‌دار بودن منازعات تاریخی، باور به مفهوم هزاره‌گرایی، وابستگی به اسلام سیاسی رایج در ایران و انتقال جریان‌های روشنگری اسلامی - ایرانی، اشاره نمود.

در این راستا، باید گفت که در طول سده دهم هجری در شبه قاره هند، جنبش‌هایی شکل گرفت که هدف اصلی آن‌ها غالباً برانگیختن حس ملی‌گرایانه در مردم و قبایل مسلمان یا غیرمسلمان غیرهندو بود. گرایش فزاینده به ملی‌گرایی و جدایی‌طلبی در قبایل پشتون پشتون ساکن مناطق قبایلی شمال غرب هند گورکانی از هنگام برافتادن سلسله لودیان افغان نژاد به دست بابر شاه شکل گرفت و تا زمان اشغال هند و افغانستان به دست بریتانیا کمابیش ادامه یافت. در این میان کسی مانند بایزید انصاری که نفرت قلبی و خصومت سیاسی نسبت به گورکانیان در آثار او آشکارا دیده می‌شود، کوشید با طرح ادعای مهدویت و سایر ادعاهای ایدئولوژیک، قبایل مردم پشتون را جذب کند و با ایجاد یک ارتش متحد راه را برای جدایی مناطق پشتون نشین از هند هموار سازد. آرمانی که در دوران وی و جانشینانش با مشت آهنین و درایت سیاسی دولت گورکانی محقق نشد، اما در اواخر دوران اقتدار این دولت، کسانی چون خوشحال خان آن

را با جدیت پیگیری کردند تا به تشکیل افغانستان مستقل در سده ۱۸ میلادی/ ۱۲ هجری با محوریت پشتون‌ها انجامید. برای این منظور، در ابتدا لازم است که میزان پایداری^۱ سیستم‌های سیاسی-مذهبی مبتنی بر روشنگری اسلامی در محدوده تاریخی و زمان حال، پیرامون شبه قاره هند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این راستا، با توجه به مطالعات استراتژیک در مدل آمایشی میک‌مک، الگوی آینده‌نگاری تحول در چارچوب سیاسی-مذهبی روشنیه در هندوستان از وضع استاندارد و پایدار برخوردار نبوده است، به این معنا که این الگو هیچگاه نتوانسته است به‌عنوان یک سبک مسلط حاکمیت سیاسی-مذهبی در محدوده مورد مطالعه مورد توجه مردم و حاکمان محلی، جز در ادواری خاص قرار گیرد. با این وجود، توزیع ارزش‌های محاسبه‌شده و شکل نهایی نمودار میزان اثرگذاری جریان روشنیه در شبه قاره هند به صورت شکل (۳) می‌باشد که نشان از ناپایداری شدید در الگوی اثرگذاری سیستم سیاسی-حاکمیتی روشنیه می‌باشد.



شکل ۳. میزان ثبات و وضعیت کلی سیستم سیاسی روشنیه در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده از شکل (۳) بایستی به نحوه چیدمان و توزیع شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در سطح صفحه نمودارهای استراتژیک و سناریونگرا و تحلیل فضایی سیستم سیاسی-مذهبی

روشنیه، توجه نمود. در سیستم‌های پایدار سیاسی، توزیع متغیرها با دارا بودن تعدادی ضریب اثرگذاری و تأثیرپذیری بالا به صورت تقریباً مساوی در نقاط مختلف نمودار به صورت L انگلیسی خواهد بود، در حالی که در سیستم‌های ناپایدار آمایشی این امر به صورت توزیع نامتوازن ضرایب حول خط قطری در جهت‌های شمال شرقی و جنوب غربی نمودار خواهد بود و علاوه بر این نمی‌توان الگوی واحدی در توزیع متغیرها نیز در صفحه نمودار ارائه داد. با توجه به مجموعه ارزش‌های محاسبه شده و همچنین آنچه در قسمت‌های بعدی خواهد آمد، می‌توان گفت که سیستم سیاسی - مذهبی ناشی از ایدئولوژی اسلام سیاسی و تفکر روشنیه در هندوستان از ناپایداری بسیار شدیدی رنج می‌برد به نحوی که داده‌ها و توزیع آن‌ها ضمن عدم برخورداری از روندی یکسان، دارای حدهای متفاوت بهره‌مندی در توزیع می‌باشد، به گونه‌ای که پس از امتیازهای بالای ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۳ و... مطابق ماتریس اثرات متقاطع و اثرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم، دیگر حد میانه‌ای از ارزش‌های محاسبه شده برای متغیرهای وجود ندارد و به صورت آبی با ضرایب بسیار پائین‌تری مواجه می‌شویم که این روند معمولی و استاندارد در توزیع شاخص‌ها نمی‌باشد. به‌طور کلی هر سیستم پایدار دارای متغیرهای مستقل، کلیدی و نتایج ناشی از آن می‌باشد که در سیستم‌های ناپایدار تفکیک این عناصر بسیار سخت می‌باشد، زیرا اکثر شاخص‌ها دارای ارزش‌های عددی نزدیک به هم بوده و اثرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها نیز از دیگر متغیرها و از همدیگر به صورت میانه‌های نزدیک به هم و بینایی می‌باشد. در ادامه جایگاه ایدئولوژی روشنیه به‌عنوان اصلی مهم در حاکمیت سیاسی - مذهبی شبه قاره هند در چهار بعد نهادی، سازمانی، محتوایی و فرهنگی تحلیل شده است.

جدول ۳. ابعاد تحلیل حاکمیت سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

<p>تحلیل نهادی: موقعیت نهادی مذاهب مختلف، و نسبت‌شان با نهاد سیاست، غالباً متفاوت از یکدیگر است. برخی مذاهب، پیوندی سیستماتیک با حکومت دارند، و به اصطلاح در حاکمیت (دین حکومتی) یا حتی مافوق حکومت‌اند (حکومت دینی)؛ اما برخی دیگر، نقش و سهم درخوری در حکومت و حاکمیت ندارند. بر همین مبناست که نلسون احتیاج می‌کند که احساس نزدیکی و وابستگی به یک گروه خاص مذهبی، بر مشارکت کردن اثر می‌گذارد. اگر این مدعا درست باشد، آنگاه ما باید شاهد تفاوت‌های مشارکتی بین فرقه‌های مذهبی مختلف در حاکمیت جریان‌های سیاسی -</p>	<p>تحلیل سازمانی: در توجیحات سازمانی که از توضیحات آموزه‌های و نهادی در تبیین فرهنگی رایج‌تر می‌باشند، ضمن تلقی از مذهب به عنوان نوعی انجمن مدنی یا سازمان اجتماعی، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب در مشارکت‌جویی سیاسی - مذهبی را بدین صورت توضیح داده است که انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذهبی (مانند کلیسا، مسجد، انجمن‌ها و مؤسسه‌های مذهبی و ...) فرصت‌هایی برای پیروان و اعضای‌شان فراهم می‌آورند تا منابع لازم برای دستیابی به حمایت سیاسی را گسترش دهند. آنها از طریق نقش‌شان به عنوان مجاری انتقال تجارب و مهارت‌های مدنی، اطلاعات و انگیزش‌های</p>
---	--

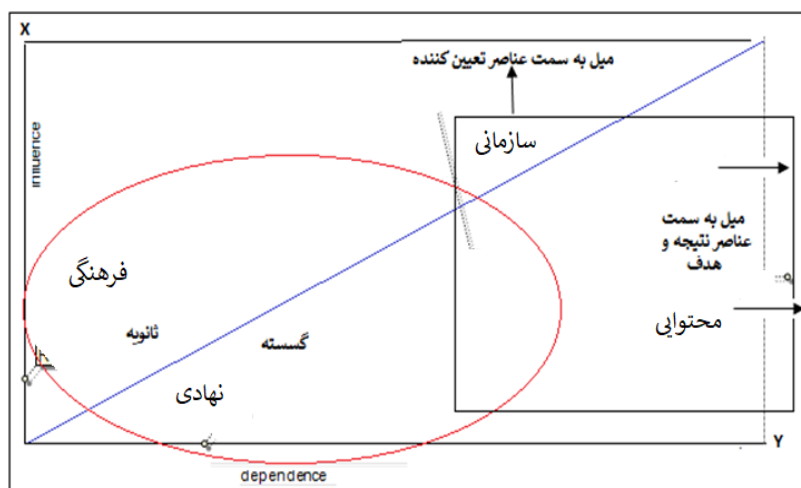
<p>مذهبی نظیر روشنیه باشیم. از چشم‌انداز نهادی، پیوند یک مذهب خاص با نظام سیاسی حاکم و نقش‌آفرینی آن در حاکمیت، فی‌نفسه میزانی از همگرایی و روشنگری را در پیروان آن مذهب (غالب) و حدی از واگرایی را در پیروان سایر مذاهب (اقلیت‌های مذهبی) پدید می‌آورد؛ و نتیجتاً آنها را از مشارکت در فرایندهای سیاسی مهم دلسرد یا بی‌انگیزه می‌کند.</p>	<p>سیاسی، آموزش هنر شهروندی، عضوگیری برای جریان‌های سیاسی همسو، سازماندهی سیاسی و بسیج گروهی، زمینه‌توجه به جایگاه آموزه‌های روشنگرانه و متحولانه را در ساختار حاکمیت فراهم می‌نمایند و با مشارکت سیاسی، زمینه‌های علم شکل‌گیری جریان‌های سیاسی-مذهبی دیکتاتور مآبانه را شکل می‌دهد.</p>
<p>تحلیل فرهنگی: به لحاظ فرهنگی، آموزه‌های مذهب تشیع سیاسی پس از قرن‌ها و حکومت‌های روشنگری گذشته، فرصتی پیدا کرده است تا با تکیه بر قرائتی از دین که متضمن ایله تلاؤم دیانت و سیاست است، لگویی موفق از اسلام سیاسی را در ایران پیاده و به جهان اسلام و شبه قاره هند عرضه نماید. طبعاً در چنین قرائتی، مشارکت سیاسی نوعی فعالیت مذهبی و در واقع عبادت یا عمل به تکلیف دینی محسوب می‌شود. به علاوه، موقعیت نهادی برتر و آموزه‌های مساعد مذهب تشیع این فرصت و امکان را بدان داده است تا سازماندهی متنوع‌تر و گسترده‌تری به فعالیت‌ها و اجتماعات مذهبی پیروان خویش بدهد. انجمن‌ها، تشکل‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های مذهبی نیز مجموعه‌ای از منابع، مهارت‌ها و انگیزه‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی در چنین حاکمیت سیاسی-مذهبی روشنگرانه‌ای به حساب می‌آیند.</p>	<p>تحلیل محتوایی: معمولاً این‌گونه توجیحات، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب بر مشارکت سیاسی را آموزه‌های دینی خاص و گزاره‌های الهام‌بخش موجود در متون دینی می‌دانند. از این منظر، مذاهبی که آموزه‌های همسازتری با حضور در عرصه سیاسی داشته باشند، نسبت به سایر مذاهب، تأثیر قدرتمندتری در ترغیب پیروان‌شان برای مشارکت سیاسی دارند. بر این اساس، اعضای سنت‌های مذهبی متفاوت، در احتمالات مشارکت کردن‌شان در سیاست نیز متفاوت خواهند بود. توجیه محتوایی، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب در مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از دانش‌ها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات مشترک و در عین‌حال تمایزبخش - میان مذاهب مختلف - می‌داند، که حول این آموزه‌ها و انگاره‌ها شکل می‌گیرند، و بدین ترتیب، الهام‌بخش جایگاه مظاهر روشنگری نظیر روشنیه در عرصه سیاسی می‌شوند.</p>

مأخذ: Research findings (2020), based on Memar (2017); Roof & Mc caity (2000);

McAlister & Makki (1992); Hantigtun (2000).

به‌طور خاص، رویکرد فرهنگ‌گرا در تبیین حاکمیت سیاسی-مذهبی جریان روشنیه، بر این اصل اساسی استوار است که کنش‌گران در موقعیت‌های مختلف، مستقیماً به محرک‌های سیاسی پاسخ نمی‌دهند؛ بلکه این پاسخ به‌واسطه جهت‌گیری‌های میانجی صورت می‌گیرد؛ که عبارت باشد از مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی کنش‌گر، و به‌عبارتی، فرهنگ درونی‌شده. جهت‌گیری‌های متفاوت و متنوع، رفتارهای متنوع را سبب می‌گردند. بنا بر اطلاعات به دست آمده از جدول (۳) و سایر مصاحبه‌های نخبگانی پژوهش، میزان تعیین‌کنندگی چهار بُعد اصلی پیرامون بسط و گسترش تئوری روشنیه در شبه قاره هند به‌صورت شکل (۴)، می‌باشد. با توجه به شکل (۴)، می‌توان دریافت که سهم ابعاد سازمانی با توجه به نزدیکی به محور Xها و افزایش امتیاز اثرگذاری کلی بر

پایداری سیستم، بیشتر از سایر عناصر بوده است. در این بین، ابعاد محتوایی در درجه دوم اهمیت در توسعه جریان‌های روشنگرانه مذهبی در شبه قاره هند قرار داشته است. به علت ناپایداری شدید سیستم روشنگریه و حاکمیت سیاسی ناشی از آن، عامل فرهنگی و ابعاد نهادی که اصلی مسلم در حوزه سیاستگذاری سیاسی - نظامی است، در لایه‌های کمتر اهمیت‌دار قرار گرفته است که این خود نشان از ضعف چنین الگویی است که در بعضی ادوار تاریخی هم موجبات ضعف و انزوای شدید سیاسی - مذهبی آن را فراهم نموده است. لذا، لازم است که برای رفع چنین عاملی، در تدوین سناریوهای آتی جهت همراهی چنین ابعادی به صورت غالب‌تر، سهم این عناصر از حاکمیت نظامی - سیاسی بیشتر گردد.



شکل ۴. میزان تعیین کنندگی چهار بُعد اصلی پیرامون بسط و گسترش تئوری روشنیه در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

از این منظر، اگر مردم به آرمانی پای‌بند باشند و بدانند که اقدامات آنان به تحقق اهدافشان منجر خواهد شد، در این صورت، در عرصه سیاسی نیز حاکمیت ناشی از آن را پذیرفته و همین عامل تحقق چشم‌اندازهای فرارو را برای ایده روشنگرانه مهیا می‌نماید. در این نظریه، ارزش‌های معین عملکردی حاکمیتی از فرهنگ سیاسی‌ای که حاکمان تحت تأثیر مذهب در آن جامعه پذیر شده‌اند، فرا می‌گیرند، و این به نوبه خود، رفتار سیاسی حاکمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنا بر ایده‌های تئوری روشنگری، تفاوت‌پذیری‌ها در نظام‌های سیاسی - مذهبی، منتج از ارزش‌ها، اعتقادات و احساساتی در باره سیاست

است که مردم در فرآیند مذهب‌پذیری به جامعه‌پذیری سیاسی دست یافته‌اند. امری که نمود آن را در گذشته، زمان حال و بر مبنای شواهد به دست آمده از پژوهش در آینده نیز می‌توان در شبه قاره هند مشاهده نمود.

۲.۵. شاخص‌های اولیه و تشکیل ماتریس اثرات متقاطع سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

در گام اول، الگوی استراتژیک میک مک که به منظور انجام محاسبات پیچیده کاربرد فراوانی دارد، انتخاب شد و در چارچوب تحلیل‌های نرم‌افزاری، ابعاد کیفی پژوهش و شاخص‌های تحقیق نیز تبیین گردید و متناسب با آن ضمن دسته‌بندی متغیرهای اولیه، در قالب جلسات گفتگو با نخبگان انتخابی، لیست نهایی متغیرهای اثرگذار به دست آمد و سپس با سنجش شاخص پُرشدگی میزان صحت متغیرها محاسبه و داده‌ها تحلیل گردید. با توجه به اسناد فرادست و مصاحبه‌های نخبگانی، ابتدا لیستی از متغیرهای مؤثر بر موضوع تهیه و پس از انجام مطالعات تکمیلی، لیستی به صورت جدول (۴)، در قالب یک ماتریس $N*N$ با ابعاد 20×20 به دست آمد. سپس هر کدام از این متغیرها برای ورود به نرم‌افزار میک مک در چارچوب گذارای خاص به سیستم معرفی و زیرمجموعه‌های هر کدام نیز در محیط نرم‌افزار تعریف شدند. پس از ورود متغیرها به نرم‌افزار میک مک به صورت جدول (۴)، در چارچوب ماتریس تحلیل اثرات متقاطع از نمونه آماری خواسته شد تا بر حسب میزان اهمیت و تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و وابستگی عناصر به هم، به امتیازدهی متغیرها از ۰ تا ۳ و P اقدام نمایند.

جدول ۴. لیست متغیرهای اولیه مؤثر بر سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

نماد	توصیف	عنوان اختصاری	عنوان کامل	N°
M1	جدایی طلبی قومی	M1	M1	1
M2	هویت‌خواهی مذهبی	M2	M2	2
M3	ظهور جنبش‌های روشنگرانه	M3	M3	3
PS1	عملکرد ملل اسلامی مجاور شبه قاره هند	PS1	PS1	4
PS2	عملکرد حاکمان محلی - مذهبی	PS2	PS2	5
PS3	رعایت اصول حاکمیت مذهبی - سیاسی	PS3	PS3	6
LP1	به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی	LP1	LP1	7
LP2	میزان دینی بودن جامعه	LP2	LP2	8
LP3	ظرفیت‌های فرهنگی روشنیه	LP3	LP3	9

نماد	توصیف	عنوان اختصاری	عنوان کامل	N°
LP4	ظرفیت‌های نهادی روشنیه	LP4	LP4	10
FS1	ظرفیت‌های محتوایی روشنیه	FS1	FS1	11
FS2	ظرفیت‌های ساختاری-سازمائی روشنیه	FS2	FS2	12
FS3	تفاوت‌پذیری و مشارکت‌گرایی سیاسی	FS3	FS3	13
FS4	ارزش‌گرایی نظام‌های سیاسی-مذهبی روشنیه	FS4	FS4	14
FS5	پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده	FS5	FS5	15
SC1	وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه	SC1	SC1	16
SC2	تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی	SC2	SC2	17
SC3	تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی	SC3	SC3	18
ST1	ظرفیت روحانیت شیعه در بسط روشنیه	ST1	ST	19
ST3	ساسیت‌گذاری گذاری منطبق با جریان‌های روشنگرانه	ST2	ST2	20

مأخذ: Research Findings, 2020

در این راستا، عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط، عدد سه به معنی تأثیر زیاد و P به معنای اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم به صورت بالقوه می‌باشند. در نهایت، پس از امتیازدهی ماتریسی به صورت شکل (۵) بدست آمد که نشان از اثرگذاری-وابستگی متقابل عناصر و متغیرهای انتخابی پژوهش بر روی هم می‌باشند. پیروی این جدول، متغیرهایی همچون پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده، وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه، ظرفیت‌های نهادی جریان سیاسی-مذهبی روشنیه، تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی، تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی، به روز نمودن قوانین سیاسی حاکمیتی، بروز جنبش‌های تجزیه‌طلبانه و هویت‌خواهانه تحت تأثیر جریان روشنیه، ظرفیت روحانیت شیعه در بسط جریان سیاسی روشنیه، دینی بودن جامعه میزبان و عواملی از این دست، مهمترین شاخص‌هایی بودند که در مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌ای دارای بیشترین امتیاز بوده‌اند. در این راستا، ماتریس اثرگذاری متقاطع به صورت شکل (۵) محاسبه شد.

	1: M1	2: M2	3: M3	4: PS1	5: PS2	6: PS3	7: LP1	8: LP2	9: LP3	10: LP4	11: FS1	12: FS2	13: FS3	14: FS4	15: FS5	16: SC1	17: SC2	18: SC3	19: ST1	20: ST2
1: M1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
2: M2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
3: M3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
4: PS1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
5: PS2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
6: PS3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
7: LP1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
8: LP2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
9: LP3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
10: LP4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
11: FS1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
12: FS2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
13: FS3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
14: FS4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
15: FS5	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
16: SC1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
17: SC2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
18: SC3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
19: ST1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
20: ST2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0

شکل ۵. ماتریس اثرگذاری-وابستگی متقاطع جریان سیاسی-مذهبی روشیه.

مأخذ: Research Findings, 2020

متناظر با این ماتریس، جدول (۵)، به دست می آید که با دو بار دقت محاسباتی ضریب تحقق پذیری و احتمال روی دادن مقادیر ارزش گذاری ها را سنجیده و به این صورت ضمن سنجش پایایی و روایی داده ها، میزان تحقق پذیری شاخص ها را نیز محاسبه نموده است. این امر مبین ضریب بالای تأثیرگذاری متغیرها و عوامل انتخاب شده بر یکدیگر است. این وضعیت نشان دهنده کارایی ابزار تحقیق و تأیید اطلاعات جمع آوری شده در سطح بسیار مطلوب می باشد و صحت اطلاعات بدست آمده را تأیید می کند. همچنین بر اساس یافته های جدول بایستی گفت که بر مبنای ۷۴۷۲ ارزش محاسبه شده در ماتریس اولیه اثرات متقاطع از سوی نخبگان، ۴۱۱۱ مورد با بالاترین حجم آماری دارای میزان اثرگذاری متوسط بوده است. همچنین، ۲۳۰۵ مورد دارای تأثیرگذاری زیاد، ۱۰۵۶ مورد کم تأثیر و ۹۷ مورد بی تأثیر ارزیابی شده اند، این در حالی است که میزان P (اثرگذاری مستقیم بالقوه) برابر با صفر بوده است.

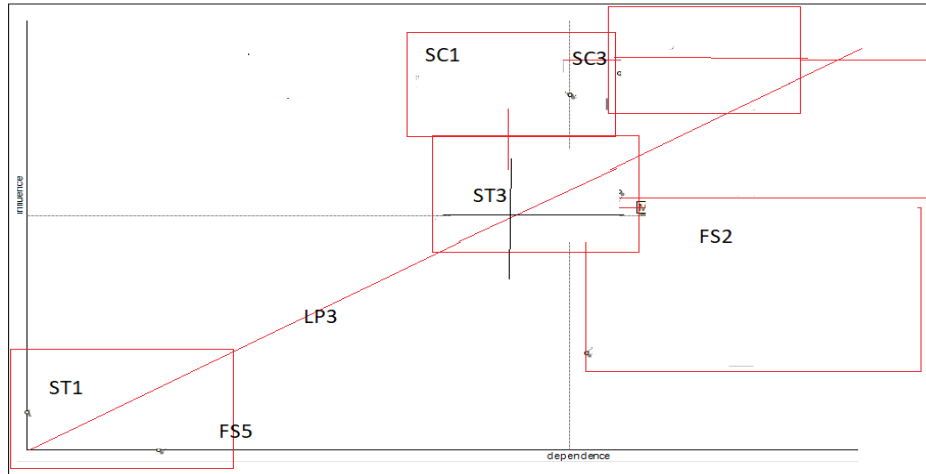
جدول ۵. ویژگی های ماتریس اولیه

اندازه ماتریس	۸۷ × ۸۷
تعداد تکرار داده ای	۲

۹۷	تعداد صفرها
۱۰۵۶	تعداد یک‌ها
۴۱۱۱	تعداد دوها
۲۳۰۵	تعداد سه‌ها
۰	تعداد Pها
۷۴۷۲	جمع
٪۹۸,۷۱۸۴۶	شاخص پُرشدگی

مأخذ: Research Findings, 2020

در این میان، تفاوت‌پذیری و مشارکت‌گرایی سیاسی و زیر مجموعه‌های آن دارای کمترین ضریب اثرگذاری و اثرپذیری از دیگر متغیرها بوده‌اند. همچنین، عناصر وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه (SC1) با امتیاز ۲۲۲، ساسیت‌گذاری گذاری منطبق با جریان‌های روشنگرانه (ST3) با امتیاز ۲۱۷ و تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی (SC3) با امتیاز ۲۱۰، با توجه به مقادیر ستونی محاسبه شده بیشترین میزان تأثیرپذیری از دیگر متغیرها را داشته‌اند.

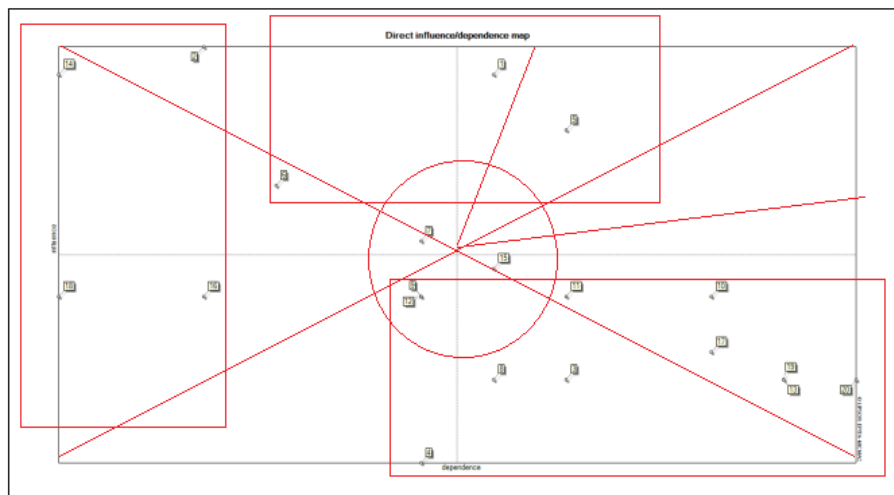


شکل ۵. پراکندگی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری-وابستگی مستقیم در سیستم سیاسی-مذهبی روشنیه.

مأخذ: Research Findings, 2020

با اعمال تمامی متغیرها در حالت مستقیم و غیرمستقیم، نمودار اثر-وابستگی موثر بر جریان روشنیه هندوستان به صورت شکل (۶) می‌باشد. در این حالت در صورت تحقق سایر شرایط، پایداری و اثر-

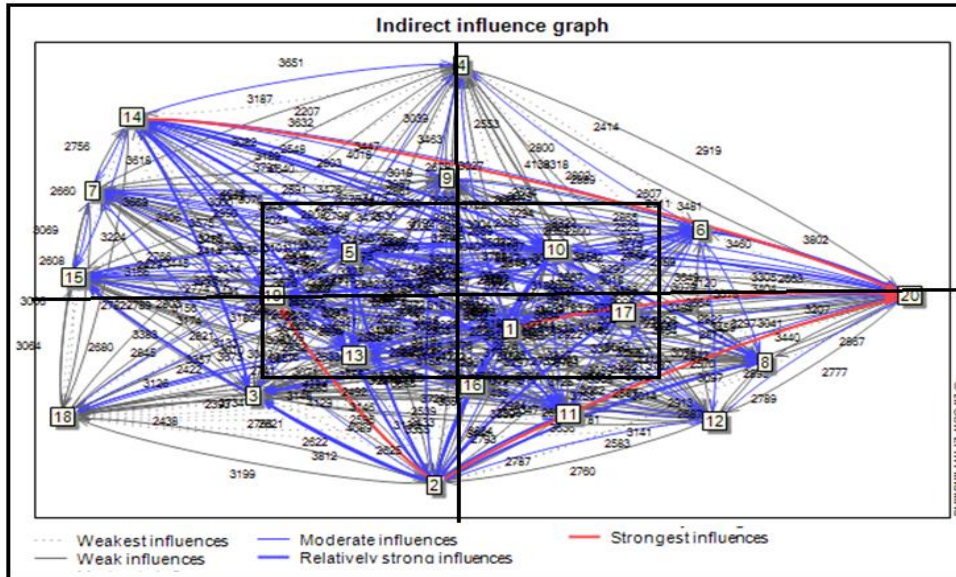
وابستگی این جریان سیاسی- مذهبی با تأکیدات بر آموزه‌های مذهب شیعه بیشتر می‌شود. در نتیجه پایدار سیستم روشنیه در حرکت به سمت شمال غربی نمود می‌باشد.



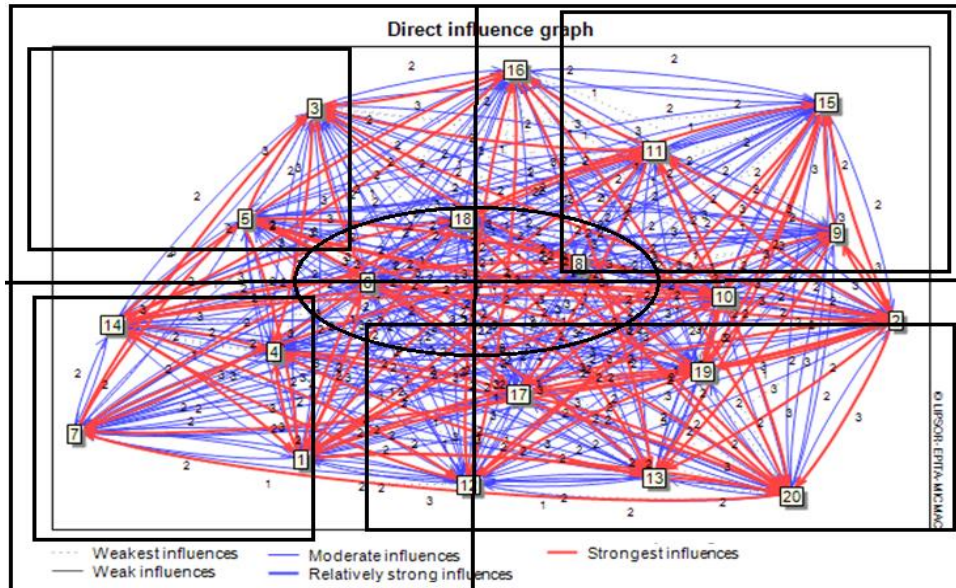
شکل ۶. پراکندگی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری-وابستگی مستقیم و غیر مستقیم در سیستم سیاسی- مذهبی روشنیه.

مأخذ: Research Findings, 2020

در ادامه، با توجه به شکل‌های (۵) و (۶) و به منظور درک بهتر اثرگذاری-وابستگی مستقیم در سیستم جریان سیاسی-مذهبی در چارچوب دو حالت ۱۰۰ درصدی مستقیم و غیرمستقیم، شکل‌های (۷) و (۸) قابل ارائه می‌باشد که با کنار هم گذاشتن آن‌ها، می‌توان دریافت که خطوط قرمز پررنگ نمایانگر اثرگذاری قوی متغیرها بر یکدیگر است. این امر مبین انتخاب متغیرها به نحو صحیح و امتیازدهی مناسب از سوی نخبگان انتخابی می‌باشد. بایستی اشاره نمود که این دو شکل در ارتباط با هم، دارای وضعیتی مکمل و تکمیل‌کننده می‌باشند. با توجه به مجموعه مباحثی که پیرامون متغیرهای به‌کارگرفته شده در پژوهش بیان شد، در ادامه با استفاده از نمودارهای اثرگذاری و وابستگی مستقیم به تحلیل وضعیت متغیرها با توجه به ماهیت دو وجهی و وضعیت پراکندگی آن‌ها در صفحه نمودار پرداخته شده است.



شکل ۷. پراکندگی متغیرها بر اساس سناریوی اول در سیستم سیاسی مذهبی روشیه.



شکل ۸. پراکندگی متغیرها بر اساس سناریوی دوم در سیستم سیاسی مذهبی روشیه.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

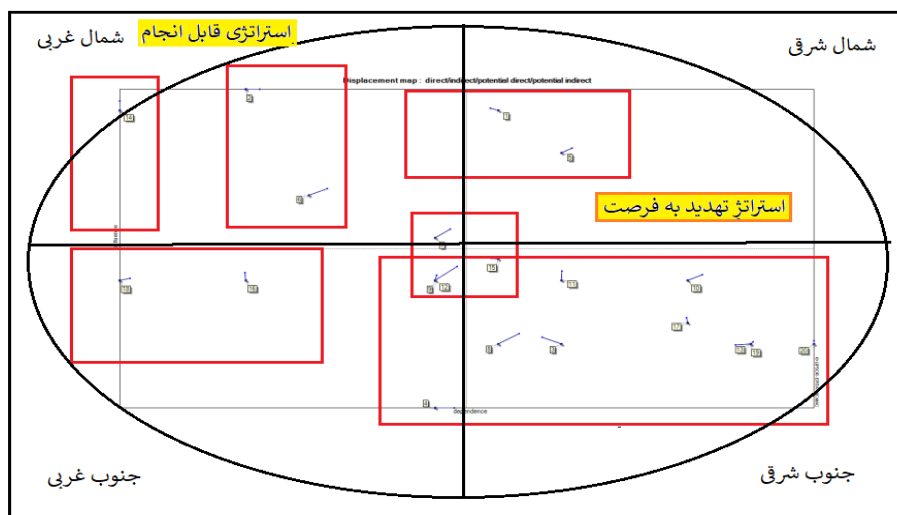
برآیند حیات سیاسی هر جامعه‌ای محصول چگونگی تعامل و تحول جریان‌های سیاسی آن (درونزا و برونزا) است. از این‌رو، فهم حیات سیاسی هر جامعه‌ای در گرو شناخت، درک و تحلیل جریان‌های سیاسی آن است. در شرایطی که به خاطر تحولات معرفتی و تکاملی جامعه‌شناسی سیاسی نظریه‌ها و روش‌های موجود بعضاً دچار بحران و نارسایی‌هایی جهت توضیح تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع است، ارائه تحلیل‌های مناسب از جریان‌های سیاسی - مذهبی از جمله روشنی با رویکردهای نوین، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از ابهامات موجود در این عرصه باشد. در حقیقت حکمروایی در چارچوب آموزه‌های روشنگرانه چه در دوران گذشته و چه در جنبش‌های سیاسی معاصر، شکلی مردم‌تری از نظام‌های سیاسی را ارائه می‌داد که در آن بر خواست شهروندان و مطلوبیت در عرصه سلطه‌گری نظام‌های سیاسی، بیش از پیش توجه می‌گردید. چنین تأملی از نظام سیاسی در شبه‌قاره هند در دوران تاریخی گذشته مورد توجه حکومت‌هایی همچون گورکانیان قرار گرفته بود و پیوند مذهب و سیاست در چارچوب آموزه‌های اسلامی بنای خاصی از حاکمیت سیاسی را به وجود آورده بود که چندین قرن داوم آورد و توانست اولین حاکمیت‌های سیاسی مبتنی بر مذهب را در شبه‌قاره هند به وجود آورد. در واقع، حاکمیت مبتنی بر نظام‌های مذهبی - سیاسی همچون اسلام، اعتقاد جدایی دین و سیاست را رد کرده که در نتیجه آن نظام سیاسی و حاکم اسلامی با مشروعیت‌بخشی از سوی خدا، برای خود اختیارات قابل توجهی متصور شده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت جریان اسلامی نظیر روشنی‌بار دیگر در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰، امکان تأثیرگذاری اساسی بر روندهای تصمیم‌گیری سیاسی - فضایی را در قالب نظام‌های ایدئولوژیک نظیر هندوستان، مصر، افغانستان، عراق و... به دست آورده‌اند. به طور خاص، رویکردهای مختلف در تبیین حاکمیت سیاسی - مذهبی جریان روشنی‌بار بر این اصل اساسی استوار است که کنش‌گران در موقعیت‌های مختلف، مستقیماً به محرک‌های سیاسی پاسخ نمی‌دهند؛ بلکه این پاسخ به واسطه جهت‌گیری‌های میانجی صورت می‌گیرد که عبارت باشد از مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی کنش‌گر و به عبارتی، فرهنگ درونی شده. جهت‌گیری‌های متفاوت و متنوع، رفتارهای متنوع را سبب می‌گردند. لذا، متغیرهایی همچون پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده، وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه، ظرفیت‌های نهادی جریان سیاسی - مذهبی روشنی‌بار، تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی، تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب

مذهبی، به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی، بروز جنبش‌های تجزیه‌طلبانه و هویت‌خواهانه تحت تأثیر جریان روشنیه، ظرفیت روحانیت شیعه در بسط جریان سیاسی روشنیه، دینی بودن جامعه میزبان و عواملی از این دست، مهمترین شاخص‌هایی بودند که در مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌ای دارای بیشترین امتیاز بوده‌اند.

۷. پیشنهادهای پژوهش

متناسب با تحلیل‌های صورت گرفته، پیشنهادهایی به صورت ذیل، جهت بهبود وضع نظام‌های سیاسی - مذهبی مبتنی بر ایدئولوژی روشنیه قابل بیان است:

- ارتقاء ارزش‌گرایی نظام‌های سیاسی - مذهبی روشنیه؛
- توجه به هویت‌خواهی مذهبی؛
- رعایت اصول حاکمیت مذهبی - سیاسی؛
- به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی با رویکرد جریان روشنیه؛
- جدایی طلبی قومی در شبه قاره هند؛
- تدوین استراتژی‌های شمال غربی و شمال شرقی نمودار استراتژی‌ها در شکل (۹).



شکل ۹. استراتژی‌های توسعه جریان سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

کتابنامه

1. Faraji Mullahi, A. Aliverdello, H. Amini, H. (2015). *Defensive land preparation from a passive defense perspective*. The Antiquarian Society of Iran, 13(45), 247-274.
2. Heli, F. R., Thompson, D. J., Helgason, H., Chasman, D. I., Finucane, H., Sulem, P., & Altmaier, E. (2017). *Genomic analyses identify hundreds of variants associated with age at menarche and support a role for puberty timing in cancer risk*. Nature genetics, 49(6), 834-841.
3. Heydari, A., Rahnama, MR., Shokouhi, M., & Kharazmi. O. (2019). *Analysis of Urban Environmental Sustainability in Mashhad Metropolis Using Natural Step Approach*. Journal of Geography and Regional Development, 16(1),51-88. [In Persian].
4. Imam Khomeini Research Portal (2020). *Imam Khomeini's Thoughts*.
5. Kazeminia, Sh., & Tabrizi, N. (2015). *Evaluation of urban space safety with emphasis on passive defense indicators (Case study: Amol City)*. Urban Planning Studies Quarterly, 3(9), 11-26. [In Persian].
6. Lee, H. Maleki, K. Shafaeti, A. Heydarifar, MR. (2018). *Passive defence and sustainable urban development with an emphasis on the threatening users of the Tabriz metropolis from a war perspective*. Geography and Environmental Sustainability (Geographical Journal), 2(5), 1-24. [In Persian].
7. Parizi, R., & Kazemi, N. (2015) *Passive defense knowledge*. Iran, Tehran: Bustan Publications. [In Persian].
8. Quarol, M. (2018). *Does demogracy preemt civil wars?* Journal of political economy, 21, 67-80.
9. Ragers, H., Eli, O., & Rayy, K. (2017). *Passive defense and regional development*. England, London: Routledge press.
10. Saeedinejad, A. (2018). *Politics in Imam Khomeini's thoughts*. Iran, Tehran: Imam Khomeini Press.
11. Turner, H. (2018). *Passive urban defense*, Oxford press. England.
12. Zhou, X. (2011). *Urban land use planning*. Urbana university of Illinois press.